

۶

گروه جهادی شهید محمد
علیزاده یزدی به اهالی
محلہ زارعین خدمات
رایگان بهداشتی و
درمانی ارائه کرد

بنویس: خادم
امام رضا (ع)
و دیگر هیج



۷

نظافت خانه خدا مقدم بود

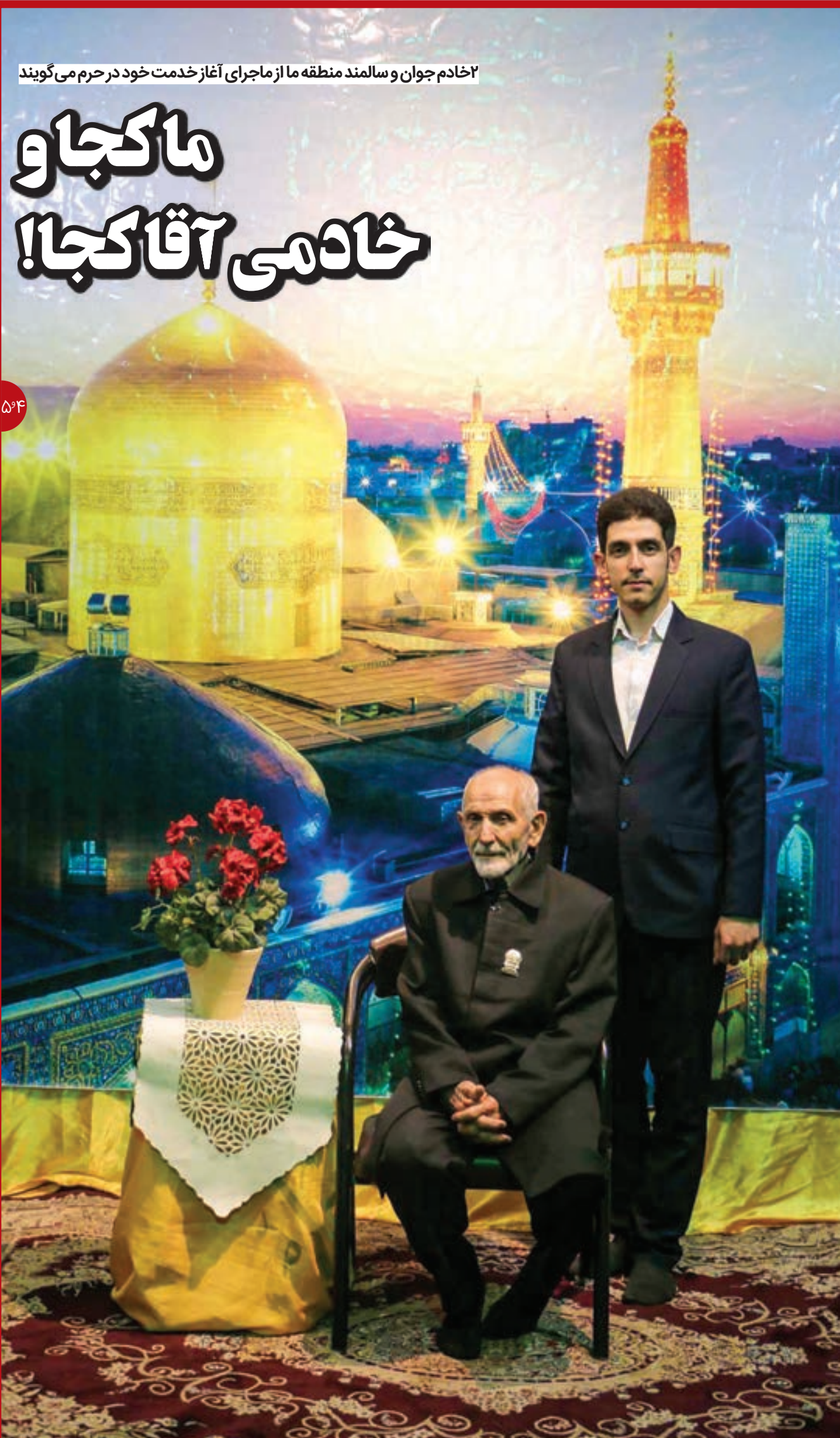
۲

قریبانان همسایگی: پاپمپ بنزین

۲ خادم جوان و سالمند منطقه ما از ماجرای آغاز خدمت خود در حرم می گویند

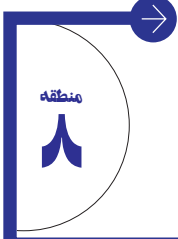
ما کجا و خادمی آقا کجا!

۵۰۴



۱۰ سال است اهالی بولوار شهید نامجو به خاطر یک تصمیم اشتباه در محاصره ترافیک هستند

قربانیان همسایگی با پمپ بنزین



سمیرا منشادی با آنکه ساعت ۷:۳۰ صبح را نشان می‌دهد، ترافیک سنگین در میدان جهاد برای ورود به خیابان شهید نامجو همه رانندگان را خسته کرده است. آن‌ها که مسیر هر روزشان این بولوار است، می‌دانند وجود پمپ بنزین مستقر در انتهای خیابان شهید نامجو سبب قسمتی از این ترافیک است. چند بار چراغ سبز می‌شود، اما خودروها به آهستگی پیش می‌روند. از گره ترافیکی عبور می‌کنیم و کمی پایین‌تر از پمپ بنزین پیاده می‌شویم. شهرآرامحله بارها از مشکلاتی که این پمپ بنزین برای اهالی ایجاد کرده، نوشته و از مسئولان خواسته است که به آن رسیدگی کنند. این بار اهالی از شهرآرامحله دعوت کرده‌اند تا پس از بازگشایی اراضی پادگان، بار دیگر، موضوع ترافیک و جابه‌جایی این پمپ بنزین را پیگیری کند و البته برای رفع این مشکلشان پیشنهادی مطرح کردند.

تاریخچه یک مشکل

اوایل دهه ۹۰ که اهالی بولوار شهید نامجو شنیدند به زودی قرار است یک جایگاه پمپ بنزین در همسایگی آن‌ها ساخته شود، هم خوشحال شدند و هم متعجب. کسبه تصور می‌کردند که با آمدن همسایه جدید، کسب و کارشان رونق می‌گیرد؛ به عبارتی آبادانی به محله می‌آید و خوشحال بودند و اهالی، متعجب از این موضوع که چطور می‌توانند در کنار پمپ بنزین که خودش بمبی برای انفجار است، زندگی کنند. حدود ۱۰ سال از این ماجرا می‌گذرد، اما با وجود پیگیری همسایه‌ها هیچ تغییری در این زمینه ایجاد نشده است. ماجرا از آنجا شروع شد که مالک اولیه این پمپ بنزین، دوپلاک مسکونی را در این بولوار خرید و تبدیل به یک جایگاه پمپ بنزین کرد. مالک این جایگاه وقتی تقاضای زیاد مردم برای بنزین را دید، بی‌توجه به موضوع ترافیک و در درجه اول آن برای مردم محله، دستگاه‌های نازل را افزایش داد. چندی بعد همان مالک، دوپلاک کنار جایگاه در حاشیه را خرید. همه تصور می‌کردند که جایگاه توسعه پیدا می‌کند و ترافیک کمتر می‌شود. اما در کمال ناباوری متوجه شدند که او کل ملک و جایگاه را واگذار کرده است. در سال‌های بعد آن دوپلاک تخریب و به جای آن یک ساختمان هفت طبقه ساخته شد. ناگفته نماند که چند سال قبل، خطاری به مالک فعلی پمپ داده شده که راست‌گرد (ورودی) را سرو سامان بدهد. او هم به صرافت افتاد که مغازه‌های نزدیک ورودی پمپ را خریداری کند. اما آن‌طور که مالکان مغازه‌ها به شهرآرامحله گفته‌اند، صاحب جایگاه، قیمت خرید را زیر قیمت تعیین کرده و پیشنهاد خرید برای کاسب‌ها رضایت بخش نبوده است.



حق شهروندی را ضایع نکنید

در ادامه صحبت‌های شریفی، جواد شاهچراغی، یکی دیگر از کسبه این بولوار، می‌گوید: مشکل من که مغازه‌ام نزدیک جایگاه است، بیشتر است. با پیگیری‌های زیاد شهرداری، کوچه شهید نامجو ۱۸ بن بست شد. این کاسب می‌گوید: چندی قبل که یکی از مسئولان به اینجا آمده بود، برای رفع مشکل فعلی گفت باید از پیاده‌رو مقابل مغازه‌ها راهی برای ورودی جایگاه درست شود، یعنی حدود یک متر کمتر به پیاده‌رو اختصاص پیدا می‌کند؛ این یعنی ضایع کردن حقوق شهروندی اهالی. شاهچراغی با اشاره به کپسول‌های آتش‌نشانی در پیاده‌رو نامجو ادامه می‌دهد: نمی‌دانم چطور اجازه داده‌اند کپسول‌های آتش‌نشانی را در حریم پیاده‌رو بگذارند! مردم نمی‌توانند از پیاده‌رو استفاده کنند و به همین دلیل به داخل سواره‌رو می‌روند. او با اشاره به اینکه ساخت و ساز در حریم جایگاه سوخت خطر ساز است، می‌گوید: نمی‌دانم چطور شهرداری مجوز هفت سقف را برای ملک کنار پمپ داده است. برای این موضوع به مرکز تنظیم قوانین شهرداری مرکز هم رفتیم، اما جوابی نگرفتیم.

خطر آتش‌سوزی برای مردم

علیرضا شریفی، یکی از کسبه، از سال‌ها پیش، پدرش و خودش در این بولوار مغازه دارند. او می‌گوید: در این سال‌ها بارها شکایت کرده‌ایم، اما مالکان قبلی جایگاه با وعده کاسبان و اهالی را آرام کردند. بدین شکل هیچ زمان شکایت‌ها به جایی نرسیده است. شریفی ادامه می‌دهد: گاهی برای اینکه ماشین حمل سوخت بتواند وارد جایگاه شود، خیابان را می‌بندند. حتی کاسب‌ها هم که می‌خواهند ماشین را برای تعمیر به داخل مغازه بیاورند، مجبورند ماشین‌هایی را که در صف سوخت‌گیری هستند، متوقف کنند تا به کسب و کارشان برسند. او ادامه می‌دهد: اینجا یکی از معابر ورودی شهر است. دائم آمبولانس از شهرستان‌ها از این مسیر به شهر وارد می‌شود؛ حتی آمبولانس‌های درون شهری بارها در ترافیک این محدوده مانده‌اند. آن‌هم به این دلیل که رانندگان برای ورود به جایگاه دوبل پارک می‌کنند. شریفی می‌افزاید: برای رفع قسمتی از معضلات ترافیکی این بولوار باید دور برگردان انتهای بولوار نامجو بسته شود؛

زیرا گروهی از رانندگان برای خروج از ترافیک و ادامه مسیر در بولوار شهید سردار قاسم سلیمانی از این دور برگردان استفاده می‌کنند.

این کاسب قدیمی بولوار نامجو می‌گوید: تا به حال سه آتش‌سوزی در این پمپ بنزین رخ داده است. یک بار هم خانه کنار جایگاه بنزین که در حال ساخت بود، پس از ریختن گدازه‌های جوش روی درخت کاج قدیمی، آتش گرفت و سوخت. فقط خدا به ما رحم کرد که آتش مهار شد.



برای ورودی مناسب هشدار دادیم

معاون فنی و اجرایی سازمان ترافیک شهرداری هنگامی که مشکلات و درخواست‌های مردم را می‌شنود، می‌گوید: پس از تحقیق و بررسی برای رفع مشکل ترافیک این جایگاه، به این نتیجه رسیدیم که وجود دور برگردان با فاصله پنجاه متری از جایگاه سوخت، یکی از دلایل ایجاد ترافیک است. برای رفع این مشکل، دور برگردان مذکور بسته و به دو یست متر پایین منتقل شد. هدف از این طرح، افزایش ایمنی و کم شدن بار ترافیکی است.

مهدی مکرم می‌افزاید: برای بستن دور برگردان نزدیک میدان جهاد، مطالعه‌ای صورت گرفت و در شبیه‌سازی‌هایی که انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که با این کار، بار ترافیکی از میدان جهاد برداشته نمی‌شود و حتی بیشتر هم خواهد شد.

معاون فنی و اجرایی سازمان ترافیک شهرداری درباره جابه‌جایی این جایگاه بیان می‌کند: امکان جابه‌جایی صفر است؛ زیرا مالک نیز حق و حقوقی دارد و باید این کار موافق نیست. از سویی در اراضی ارتش هم یک جایگاه موقت سوخت برای ماشین‌های ارتش در نظر گرفته شده است. اگر ارتش تمایل به سرمایه‌گذاری در این زمینه داشته باشد و مجوزهای لازم برای احداث جایگاه گرفته شود، جایگاه جدید می‌تواند از بار ترافیکی جایگاه سوخت بولوار شهید نامجو بکاهد. مکرم درباره اینکه چرا سازمان ترافیک مجوز احداث جایگاه در این منطقه را داده است، می‌گوید: شهرداری به‌طور تقریبی،



صف بنزین جلوی مغازه‌های اطراف پمپ بنزین را مسدود می‌کند

منطقه

رأفت کریمانه

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۸ گفت: به مناسبت دهه کرامت، جشنواره تفریحی ورزشی «رأفت کریمانه» با برپایی بیش از پانزده ایستگاه بازی های تریال، پارکور، بازی های غول آسا، تیروکمان، فوتبال دستی و... در فرهنگ سرای کودک و آینده بوستان بزرگ کوهسنگی برگزار شده است. مهدی حامدی ادامه داد: این جشنواره هر شب ساعت ۱۸ تا ۲۱ برگزار می شود. /

استقبال از زائران

شهردار منطقه ۸ گفت: به مناسبت دهه کرامت و حضور زائران در شهر امام مهربانی ها، ایستگاه استقبال از زائر در پایانه مسافربری امام رضا (ع) برپا شده است. احسان شریعتی ادامه داد: در این ایستگاه، برنامه های مختلف از جمله پذیرایی، مشاوره دینی، غربالگری سلامت، بازی و سرگرمی و... اجرایی شود. این ایستگاه تا پایان دهه کرامت به خدمت رسانی به زائران می پردازد. /

روزی برای محیط زیست

معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۸ در نظر دارد در هفته محیط زیست یعنی ۱۵ تا ۲۱ خرداد، برنامه هایی مانند پاک سازی معابر با همکاری سمن ها، انجمن های محلی و گروه های جوانان، مسابقات نقاشی، پوستر، مقاله نویسی، بازیافت مواد به شکل آثار هنری، پوشش های زیست محیطی در بوستان ها و همایش های دوچرخه سواری و پیاده روی برگزار کند. /

مهارت اطفای حریق

کارشناس فرهنگی شهرداری منطقه ۸ از برگزاری کارگاه تئوری و عملی مهارت های اطفای حریق در مدرسه حسن زاده اصفهانی خبر داد. حسین نعمتی زاده با اشاره به مصوبه شورای اجتماعی محله جنت برای آموزش دانش آموزان در زمان بحران افزود: اگر مردم با اطفای حریق آشنا شوند، می توانند در همان زمان اولیه، مانع از آتش سوزی های گسترده شوند. /

منطقه

ایمن سازی پیاده روها

شهردار منطقه ۸ از ایمن سازی پیاده رو تقاطع بولوار جمهوری اسلامی و پروین اعتصامی ۱۸ خبر داد. وحید برجسته نژاد با اعلام این خبر گفت: به منظور ارتقای ایمنی در معابر و عبور و مرور ایمن شهروندان، این تقاطع به مساحت ۱۵۰ مترمربع و با اعتباری بالغ بر ۳ میلیارد ریال ایمن سازی شد. وی در ادامه افزود: پیاده رو بخش جدایی ناپذیر

چند گام تا افتتاح ایستگاه زائر

اعضای شورای اسلامی شهر مشهد و شهردار منطقه ۷ از پروژه احداث مرکز دائمی ایستگاه استقبال از زائر مشهد در محور نیشابور بازدید کردند. شهرداری منطقه ۷ که هر سال در ورودی شهر در مکانی به صورت موقت میزبان زائران حضرت رضا (ع) است، امسال برای دهه آخر صفر یک ایستگاه دائمی برای استقبال از زائران آماده بهره برداری می کند تا بهتر بتواند پذیرای زائران پیاده و سواره باشد. /

قلع بنا در محله سیدی

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، بر اساس دستور قضایی، برش اسکلت غیرمجاز در محله سیدی اجرا شد. علیرضا امامیان با اعلام این خبر گفت: به رغم وجود ساز و کارهای متعددی که برای کاهش تخلفات ساختمانی پیش بینی شده است، همچنان شاهد این نوع تخلفات از سوی برخی سازنده ها هستیم و گاهی موجب قلع بنای می شود. /

منطقه

۷

به شهر امام رضا (ع) بتواند به آنچه مورد نیازش است، دسترسی داشته باشد و با ورود به شهر مقدس مشهد دچار سردرگمی نشود، علاوه بر آن زائران با توقف در ایستگاه و استفاده از ظرفیت های خانوادگی بتوانند لحظات خوبی را سپری کنند. برجسته نژاد افزود: راه اندازی و راهبری مرکز اسکان موقت بوستان غدیر، جشن های دهه کرامت و نورافشانی در شب ولادت امام رضا (ع) در محلات مختلف از دیگر برنامه های مادر این روزهاست. /

و آب جوش، کلیشه نویسی با خود رو، واکس صلواتی، اجرای سرود و... وی از زمان خدمت رسانی ایستگاه در ساعت ۸ صبح تا ۸ شب خبر داد و گفت: نهادهای خدمات رسان مانند آستان قدس رضوی، دانشگاه علوم پزشکی، سازمان آتش نشانی و... نیز خدمات مختلفی در این ایستگاه ارائه می کنند.

● اسکان موقت در غدیر

شهردار منطقه ۷ ادامه داد: همه سعی ما این است که زائر در زمان ورود

استقبال شایسته از زائران رضوی، ایستگاه استقبال از زائر در بزرگراه سردار شهید سلیمانی برپاست.

● بیست خدمت به زائر

وحید برجسته نژاد با اشاره به اینکه این ایستگاه از ۱۳۱ دیبیهشت فعال شده است و تا ۱۰ خرداد فعالیتش ادامه خواهد داشت، افزود: در این ایستگاه بیش از بیست خدمت ارائه می شود. این خدمات شامل راهنمای زائر، توزیع نقشه، ایستگاه صلواتی توزیع چای

صفائی از مسیر نیشابور که وارد مشهد می شوید، بعد از پل سلام و پلیس راه، ایستگاه استقبال از زائر با ظاهری سنتی به چشم می خورد؛ نمایی آجری با معماری ایرانی دارد که یادآور خانه های باصفای قدیمی است. این روزها که زائران علی ابن موسی الرضا (ع) به مناسبت دهه کرامت راهی مشهد شده اند، این خانه های باصفا میزبان زائران است و برنامه های متنوعی برایشان دارد. شهردار منطقه ۷ گفت: به مناسبت فرارسیدن دهه کرامت و به منظور

ایستگاه استقبال از زائران هم زمان با دهه کرامت در منطقه ۷ برپا شد

میزبان میهمان
امام رضا (ع)بوستان کوهسنگی با پرچم
گنبد امام رضا (ع) عطر آگین شد

● آدمم ای شاه پناهم بده

برگزاری مسابقات یکی پس از دیگری واهدای جوایز آن قدر مردم را سر ذوق آورده بود که آرام و قرار نداشتند. به یک باره صدای موسیقی ملایمی که در فضا پیچیده بود، قطع شد. یک نفر حضور خدام حرم مطهر رضوی را اعلام کرد و آن همه هیاهو به سکوت تبدیل شد؛ همه در قسمت وسط فرهنگ سرا جمع شدند تا بتوانند آن ها را ببینند. در زمانی کوتاه، صدای صلوات خاصه از بلندگوها در فضا پیچید؛ هر کسی در هر جابود، روبه حرم ایستاد و زیر لب دعای زیارت رازمه کرد. برخی از حاضران که تا چند لحظه قبل غرق در شور و هیجان بودند، بادیدن پرچم در دست خدام و شنیدن صلوات خاصه به پهنای صورتشان اشک ریختند.

در پایان برنامه، خدام که در گوشه ای ایستاده بودند، پرچم را در دست گرفتند تا خانواده ها یک به یک جلو بروند و بوسه ای بر پرچم بزنند و بسته متبرک نبات دریافت کنند.

صفائی اینجشنه هفته گذشته، فرهنگ سرای کودک و آینده در بوستان کوهسنگی، فضایی متفاوت را تجربه کرد؛ فضایی که با پرچم گنبد بارگاه و حضور خدام حرم مطهر رضوی عطر آگین بود. برگزاری جشنواره تفریحی ورزشی «ترنم کرامت» با مشارکت آموزش و پرورش استثنایی خراسان رضوی و شهرداری منطقه ۸ برای افراد کم توان ذهنی و جسمی، بهانه ای برای این حضور شد.

در این جشنواره که بیش از هشتصد شرکت کننده داشت، ایستگاه های ورزشی شامل دارت غول آسا، تریال، پارکور، بازی های بومی محلی، تیروکمان، بازی های فکری، ماهیگیری، انگری برد و... برپا شده بود و توان یابان به رایگان از آن ها استفاده می کردند. بازی های مهیج همه را ساخت مشغول خود کرده بود و والدین هم از شادی فرزندان شان شاد بودند.

۲ خادم جوان و سالمند منطقه ما از ماجرای آغاز خدمت خود در حرم می گویند

ما کجا و خادمی آقا کجا!



نجمه سادات موسوی زاده از هر کدام از خادم که درباره شروع خدمتش پرسشی حکایت سر به مهری دارد با امام هشتم^(ع) آدم هایی که دلشان می خواهد فارغ از هر چه هستند، این طور خطاب شوند: «خادم الرضا^(ع)»
احمد محمدیان، از پیشکسوتان حسینیه بیت الزهرا^(س)، و محمد صادق میرمرتضوی، مسئول کانون فرهنگی حسینیه در محله ۱۷ شهر بور، از دونسل مختلف، افتخار خادمی امام رئوف را دارند. آن ها به خوبی می دانند تنها «زائر حرم بودن» نیست که آرزوی خیلی هاست: «خادم حرم شدن» هم خواسته افراد بسیاری است که عشق به امام مهربانی ها را در دل دارند.

کرد. چهل و پنج ساله بود. جوان بود و پیر انرژي. الان هم که کهولت سن، پوست دستانش را چروکیده کرده است، همانند همان روزهای اول در شیفت خود حاضر می شود و لحظه ای برای خدمت کم نمی گذارد.
با حوصله و آرام، با لحنی خودمانی و شیرین صحبت می کند. سکوت می کنم تا مبادا دارد خاطرات پیرمرد گم شود: «از وقتی دست چپ و راستم را شناختم، روزهای جمعه با پدرم برای زیارت آقا به حرم مشرف می شدیم. با همان زبان بچگی سلام می کردم. پدرم که نماز می خواند، برای تماشای کیبوترها در گوشه ای از صحن می ایستادم.»
کلامش دل نشین است و درست همانند پدر بزرگ ها از گذشته تعریف می کند: «بزرگ تر که شدم، همراه پدر در صف نماز جماعت می ایستادم. پشت لبم سبز نشده بود که دیگر روزهای هفته هم راهی حرم می شدم. حرم برایم حس آرامش بخشی داشت که هیچ جا نمی توانستم این حس و حال را پیدا کنم.»

۴۵ سالگی، آغاز خادمی

مانند دیگر روزهای هفته، کرکره مغازه را بالا کشید و زیر لب «الهی به امید تو» را زمزمه کرد. یک اسکناز از دخل مغازه برداشت و به پیرمردی که گوشه خیابان نشسته بود، داد. سماور را که روشن کرد، یکی از کسبه از راه رسید. از چهره اش معلوم بود که حامل خبری خوش است. بعد از سلام و علیک، یک راست رفت سراصل موضوع: «احمد آقا! در حرم ثبت نام خادم انجام می شد، اسم شما را هم نوشتم.» حاج احمد استکان چای را که جلو همسایه قدیمی خود گذاشت، گفت: «ما کجا و خادمی آقا کجا!»
دوماه بعد، همان کاسب آمد و با صورتی که می خندید، به همسایه قدیمی خود خبر داد که مولا ایشان هر دو آن ها را برای خدمت دعوت کرده است و باید با شناسنامه هایشان به حرم امام رضا^(ع) بروند. چهل سال از آن روز می گذرد و احمد محمدیان در همه این سال ها خاک پای زائران امام هشتم^(ع) را توتیای چشم کرده است.
اولین باری که لباس خادمی را به تن



نعمت هم جواری با امام رئوف

چند سالی که از ازدواجش می گذرد خانه ای نزدیک فلکه برق (میدان بسیج) می خرد. هنوز هم ساکن همان محدوده است. همه می دانند حاج احمد روزش را با زیارت حضرت رضا^(ع) شروع می کند. «همسایگی با حضرت نعمت بزرگی است. اگر یک روز به پابوسی آقا نوم، دلم می گیرد.» ذکر زیر لب زمزمه می کند. «اگر بیمار باشم و توفیق زیارت صبح نصیبم نشود، آن روز برایم سخت می گذرد.»

از بین انواع خدمات در حرم، کفشداری بخشی است که خیلی ها دوست دارند افتخار آن نصیبشان شود. حاج احمد از همان روز اول، محل خدمتش کفشداری شد؛ چیزی که خواسته قلبی او هم بوده است. «خدمت در هر قسمتی از حرم توفیق می خواهد. اما از قبل دوست داشتم اگر روزی قسمت شد که خادم آقا شوم، کفش های زائرانش را جفت کنم.»

خادمان قسمت کفشداری، بیشترشان خادم رسمی هستند یا سابقه بیست ساله دارند و رنگ لباسشان مشکی است. اما حاج احمد خادم افتخاری است و برخلاف همه خادم که هشت روز یک بار در حرم کشیک دارند، تقاضا کرده است دوبار در هفته از زائران مولایش میزبانی کند. «پانزده سال پیش درخواست کردم که دو مرتبه در هفته در کفشداری حاضر شوم. اول به دلیل کهولت سن قبول نکردند، اما بالاخره راضی شان کردم.» او دستخطی نوشته و تعهد داده است که هیچ کم و کسری در کارش نگذارد.

خادمی، مدال افتخار است

کشیک حرم دوازده ساعت است؛ البته بعد از هر دو ساعت خدمت، دو ساعت استراحت دارند. چند مرتبه به حاج احمد پیشنهاد شده که بازنشسته شود اما او زیر بار نرفته است. «به خودم قول داده ام تا زمانی که نفس می کشم، در خدمت آقا علی بن موسی الرضا^(ع) باشم.»

تا قبل از اینکه خادم شود، خیلی ساده زیارت می کرده اما بعد از اینکه به عنوان خادم انتخاب شده، حال و هوا و فضایش عوض شده است. «نگاه و توجه آقا را در همه لحظات زندگی ام احساس می کنم. فرزندان سالم و صالحی که دارم، از لطف مولاست که شامل حال من شده است؛ بنابراین هیچ گاه حاضر نیستم مدال افتخار خدمتگزاری به زائران حرم آقا ثامن الحجج^(ع) را از گردنم بیرون آورم.»

حرف خاطره که به میان می آید، حاج احمد تعریف می کند: هر روز مادر حرم رضوی خاطره است. آقا آن قدر میهمان نواز است که زائرش را دست خالی بر نمی گرداند. چند سال پیش در کفشداری صحن انقلاب مشغول خدمت بودم که ناگهان سروصدایی بلند شد. بیرون رفتم تا ببینم چه خبر است. جمعیت زیادی جمع شده بودند و چند نفر از خادم هم بودند. گفتند یک نفر شفا گرفته است.

وقتی خاک پای زائر حرم را توی پای چشم و دست می کنی، افتادگی می آموزی. یاد می گیری فروتنی اساس بزرگی است. از اومی پرسیم: اگر همین الان بخواهید با امام رضا^(ع) صحبت کنید، چه می گوید؟ با ممانت خاصی جواب می دهد: حضرت شفاعت همه ما را به درگاه الهی کنند تا خداوند لحظه ای ما را به حال خود رها نکند.

سند نوکری

شنیدن خاطرات کاشی کاری مسجد گوهرشاد در کودکی برایش کافی بود تا در همان سن کم برای خادمی حضرت رضا^(ع) رؤیا بافی کند. بارها خاطرات پدر بزرگش از کاشی کاری ایوان مقصوره را شنیده بود، اما باز هم برایش جذاب بود. خادمی در خانواده محمد صادق میر مرتضوی موثری است، دوندسل خادمی حرم سبب شد او هم از نوجوانی به دنبال افتخار خادمی آقا باشد. دوست و آشنایمی دانستند که محمد صادق چقدر دلش می خواهد خادم امام مهربانی هاشود. بیست ساله بود که یکی از آشنایان، او را برای خدمت افتخاری در حرم معرفی کرد. بعد از شرکت در آزمون حرم شناسی و قبولی در آن بالاخره

توانست به آرزوی خود برسد؛ مگر می شود مشهدی باشی و عاشق خادمی امام رضا^(ع) نباشی؟ جوان فعال و پویایی است که از کودکی پای منبر بزرگ شده، ساده و بی آلیش می گوید: با اینکه فرم را پر کرده بودم، فکر نمی کردم به عنوان خادم پذیرفته شوم. مدتی که گذشت، تماس گرفتند و گفتند که برای خدمتگزاری به زائران آقا علی بن موسی الرضا^(ع) پذیرفته شده ام. از شنیدن این خبر چنان به وجد آمده بودم که سر از پانمی شناختم. کارت پرسنلی حرم که برایم صادر شد، باور نمی کردم بالاخره سند نوکری آقا را در دست دارم. نشانی به او داده می شود تا لباس خادمی را تهیه کند. هنگامی که کت و شلوار سرمه ای رنگ را می پوشد، نگاهی به آینه می اندازد؛ «خودم را که در آینه دیدم، دلم لرزید. همان جا از آقا خواستم که

خودش لیاقت این لباس را به من بدهد.» کشیک روز اول که تمام می شود، با همان لباس خادمی بلافاصله از حرم به خانه پدر بزرگش می رود؛ می گوید: آقا جان نگاهی به قد و بالایم کرد. صورتم را بوسید و گفت «محمد جان! این لباس احترام دارد. میاد از اثری تندی کنی. حواست باشد خادمی حضرت رضا^(ع) هدیه ای است که خود حضرت به تو داده است.» حدود هفت سال از نصیحت پدر بزرگش می گذرد و محمد صادق آن را آویزه گوشش کرده است؛ «آقا جان به رحمت خدا رفت و خاطراتش از کاشی کاری ایوان مقصوره و خدمت به حضرت را به یادگار گذاشت. خدمت به میهمانان امام مهربانی از کودکی آرزویم بود. در این مدت حواسم بوده است تا احترام آن ها را نگه دارم.»

سلطان قلب ها

محمد صادق بین خادمان حرم جز جوان ترین هاست. بارها از پیشکسوتان شنیده است که روزی خود را از اهل بیت^(ع) بخواهد. «حضرت رضا^(ع) را سلطان صدامی زنم. چون ایشان سلطان قلب من هستند. بارها شده است که ناراحت بوده و راهی حرم شده ام و وقتی برگشته ام، احساس سبکی کرده ام. گاهی خواسته ای داشته ام که رویم نشده به حضرت بگویم و با اینکه به زبان نیاورده ام، خواسته ام اجابت شده است.»

در باره عنایات اهل بیت^(ع) و امام مهربانی هاد زندگی اش می گوید: ۱۰ سال پیش حسینی بیت الزهرا^(س) در حال بازسازی بود. شب اول ماه محرم بالای نردبان بودم تا حسینی را سیاه پوش کنم. کابل برقی از ستون آویزان بود. همان جابرای هفت ثانیه برق مرا گرفت. دستم به علت برق گرفتگی سوخت. بچه مسجدی ها سریع من را به بیمارستان رساندند.

محمد صادق ادامه می دهد: پدرم با ترس و لرز از دکتر پرسیده بود که وضع من چطور است. آن ها جواب داده بودند «سه روز پیش، مهندس می که فقط سه ثانیه دچار برق گرفتگی شده بود، فوت کرد. ولی پسر شما مانند یک معجزه از این آسیب جان سالم به در برده است.» نگاه و کرم اهل بیت^(ع)، زندگی ام را نجات داد.

تمام طول هفته را انتظار می کشد تا روز خدمتش فرارسد و به دیدار موعود برود. «هر قدر هم به زیارت مشرف می شوم، باز دلتنگم. هفت روزی که باید صبر کنم تا نوبت کشیکم فرا برسد، برایم به کندی و سختی می گذرد، اما ساعتی که در حرم خدمت می کنم، اصلا متوجه گذر زمان نمی شوم. آرزو دارم خدا این توفیق را نصیبم کند که تا پایان عمر خدمتگزار مولایم باشم.»

صدای اذان ظهر در فضای حسینی بیت الزهرا^(س) می پیچد. جمعیت زیادی برای اقامه نماز وارد حسینی می شود. وقت تنگ است. حاج احمد و محمد صادق آستین پیراهن را بالا می زنند و دست به وضو می شوند تا نماز ظهر را در حسینی بیت الزهرا^(س) همراه جمعیت اقامه کنند.

سرباز حضرت رضا^(ع)

محمد صادق کار بر سیستم کامپیوتر و وظیفه اش، کنترل ورود و خروج کارکنان و اعلام شیفت های خادمان است. البته در ایام شلوغی سال و افزایش تعداد زائر، در قسمت بازرسی ورودی حرم هم خدمت می کند. «گاهی که به افراد متذکر می شویم باید آشیای خود را به دفتر امانات بسپارند. رفتار تندی با خادمان دارند. ما آن ها را به آرامش دعوت می کنیم و نکاتی را که باید رعایت شود، می گوئیم.» اومی گوید: خادم هیچ وقت نباید فراموش کند که در محضر چه کسی ایستاده است و به چه کسی دارد خدمت می کند. او به زائری خدمت می کند که دل داده و عاشق حضرت است.

در روزهای کشیک صبح زود راهی حرم می شود تا نماز صبح را به صورت جماعت اقامه کند. سپس در محل خدمت خود حاضر می شود. «مسئول شیفت، فهرست خادمان آن روز را به من می دهد تا اسامی آن ها را در سیستم جامع آستان قدس ثبت کنم که هر کدام از خادم باید در کدام صحن خدمت کند و دو ساعتی که برای استراحت می روند، خادمان دیگر جای آن ها را پر کنند.»

محمد صادق دوران خدمت سربازی خود را هم در حرم مطهر رضوی گذرانده است. با شادمانی می گوید: آن زمان هر روز به نوعی خادم امام رضا^(ع) بودم. با توجه به مدرک تحصیلی ام که کارشناسی حقوق است، در بخش امور حقوقی آستان قدس رضوی مأمور به خدمت بودم که همین حضور هم به لطف آقا بود.



منطقه ۷

گروه جهادی شهید محمدعلیزاده یزدی
به اهالی محله زارعین خدمات رایگان
بهداشتی و درمانی ارائه کرد

بنویس: خادم امام رضا(ع) و دیگر هیچ

حمیده صفائی در راهرو ورودی مسجد در صفی طولانی ایستاده اند تا بتوانند نوبت بگیرند. راهرو مسجد بی شباهت به سالن انتظار درمانگاه نیست. همان ابتدای ورود هم نگاهمان به صندلی های دور تادور مسجد می افتد که ساکنان محله در انتظار رسیدن نوبتشان روی آن ها نشسته اند؛ کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد....

ساکنان محله زارعین از صبح زود با امید به استقبال جهادگران درمانی آمده اند تا شاید بتوانند درد خود را دوا کنند. بیشتر مراجعه کنندگان زن هستند که اغلب با فرزندان شان آمده اند تا ویزیت شوند. اینجا مسجد امام رضا(ع) است. در هر قسمت مسجد، یک میز و دو صندلی گذاشته اند که حکم اتاق پزشک را دارد. طبقه بالا هم ویژه بانوانی است که می خواهند به ماما مراجعه کنند. آشپزخانه مسجد به داروخانه اختصاص داده شده است تا بیماران بتوانند از پنجره روبه حیاط آن، داروهایشان را بگیرند. شش میز پذیرش در همان طبقه همکف به چشم می خورد؛ جلومیزهای پذیرش مرتب پرو خالی می شود. هر ساعت که می گذرد، افراد بیشتری مراجعه می کنند. وقتی از آن ها می پرسیم از کجا متوجه شده اند که این گروه جهادی آمده است، می گویند از همسایگان یا بستگان شنیده اند. ظاهر آوازه این کار انسان دوستانه به گوش اهالی محله رسیده است. آن ها می دانند گروه جهادی شهید محمدعلیزاده یزدی، «موکب بهداشتی و درمانی خدام ائمه(ع)»، خدمات بهداشتی و درمانی رایگان به آن ها ارائه می کند.



مسکنی بر درد مردم

یکی از ساکنان محله زارعین با استقبال از این طرح می گوید: شاید به نظر شما این یک برنامه ساده باشد. اما برنامه های درمانی جهادی در محلات حاشیه شهر، خدماتی اورژانسی برای ماست. در این محلات اغلب مردم کارگر هستند و بیمه ندارند. بیشتر مردم برای تهیه مایحتاجشان مانده اند، چه برسد به هزینه های درمانی. حضور این گروه بهترین فرصت است تا پیش دکتر بیایند و دوا و درمان شوند، به ویژه که دارو ها را هم همین جا رایگان می دهند.

مریم ملا میری با اشاره به مشکلات محله شان ادامه می دهد: ای کاش خیران در محله ما درمانگاه شبانه روزی می ساختند. قرار بود در زائر سرا بر ایمن شفاخانه ای بسازند، اما هنوز اتفاقی نیفتاده

هزینه ای ندارد

مریم قربانی با دو دخترش در صف انتظار نشسته است تا نوبتشان بشود. او هم از آمدن این تیم جهادی راضی است. آن طور که تعریف می کند، وضعیت مالی چندان مناسبی ندارند و یک هفته ای است که دختر هشت ساله اش بیمار است. از همسایه اش شنیده است که دکتر به اینجا آمده برای همین چیه هایش را برای ویزیت آورده است. نگاهش به پزشک است و گاهی به دخترش، نگرانی را به خوبی می توان در چهره اش دید. صدای پزشک بلند می شود: «نفر بعدی». قربانی دست دخترانش را می گیرد و به سمت پزشک می رود. انگار خانم دکتر هم متوجه نگرانی او شده است، سر صحبت را با او باز می کند و قبل از هر چیزی آرامش می کند تا نگرانی اش بر طرف شود. پس از معاینه نسخه ها را به دستش می دهد و می گوید: «برو دارو ها را بگیر». مریم سرش را پایین می اندازد و می گوید: «چقدر می شود خانم دکتر؟» او دست مریم را در دستش می گیرد و با لبخندی که بر لب دارد، جواب می دهد: «هزینه ای ندارد، برگه را بده به همکاران من، دارو ها یت را می دهند.»

مریم تابا خانم دکتر صحبت کنم، اما هر چه صبر می کنم، فرصت نمی شود. پشت سر هم مشغول ویزیت بیماران است. اصرار ما را که می بیند، می خندد و می گوید: بنویس «خادم امام رضا(ع)» و دیگر هیچ. «نفر بعد را صدای زنده...»

کار جهادی زکات علم است

محمد حسن آبی پزشک است و حدود ۲۵ سال از خدمتش می گذرد. او برای خدمت به مردم با گروه های جهادی همکاری می کند و این کار را وظیفه خودش می داند. آبی می گوید: کار جهادی زکات علم است. رضا صالحی منظر، دستیار فوق تخصص کلیه و فشار خون، نیز یکی دیگر از پزشکان شرکت کننده در این برنامه است.

است. دسترسی ما به مراکز درمانی محدود است. هفته گذشته حدود ساعت یک صبح، مادر شوهرم حالش بد شد. شانس آوردم پسر من نزدیک ما بود. با او تماس گرفتم که بیاید و او را به بیمارستان ببریم. اگر پسر من نبود یا ماشین نداشتیم، نمی دانم آن موقع شب چکار می کردیم.

دم در ایستاده است و نوع خدمات را می پرسد. خودش را احمد غلامی معرفی می کند. او که برای درد دنداننش به مسجد آمده، شنیده است که جمعه صبح، یک گروه جهادی به مسجد محله می آید به همین دلیل سری به مسجد زده است تا ببیند کاری برایش انجام می دهند یا نه. او هم از نبود مرکز درمانی در روز جمعه در این محله گلایه مند است. از طرفی هم با وجود هزینه های زیاد دندان پزشکی نمی تواند به این مراکز مراجعه کند.

نذر خدمت به زائر و مجاور

از پشت میزش می آید نزدیک ما تا دستگاه قند خون را بردارد. از او می خواهیم خیلی کوتاه به سؤال الاتمان پاسخ دهد. فهمیم برهانی تکنسین فوری های پزشکی است و به دعوت دوستانش در این فعالیت جهادی شرکت کرده است. او ساکن اهواز است و پنج سالی می شود که هر ماه برای خدمت در فوری های پزشکی حرم مطهر رضوی به مشهد می آید و در مدتی که در این شهر است، هر طور بتواند به زائر و مجاور امام رضا(ع) خدمت می کند. این خادم امام رضا(ع) می گوید: عشق به آقا و کمک رسانی به انسان ها ما را به اینجا کشیده است. دوستان به من می گویند: حوصله داری این همه راه تا مشهد می روی و می آیی؟ «آمان سختی راه را به جان می خرم. نذر کرده ام تا آخرین نفس در این آستان خدمت کنم، عصمت دلیریان، کارشناس مامایی، هفت سالی می شود که به فعالیت های جهادی مشغول است. او که تجربه سی ساله در رشته مامایی دارد، فعالیت های جهادی را متفاوت با هر کاری می داند و می گوید: در این شرایط درد ورنج آدم ها را بهتر حس می کنیم. دلیریان در دارالشفای حرم مطهر هم فعالیت می کند و خدمت به زائر و مجاور را برتر از هر کاری می داند.

او می گوید: دهه کرامت است و تولد دو کریمه اهل بیت(ع). یقین دارم کرامتشان شامل حال ما خواهد شد و با همین نیت در فعالیت های جهادی شرکت می کنم. او با اشاره به بیماریانی که حضور دارند، می گوید: آن پیرمرد را ببینید، خودش نمی دانست که فشار خون بالا دارد. اگر بیماری اش به موقع تشخیص داده نشود، ممکن است دچار سکته مغزی شود.

حجت الاسلام خانی از بازسازی
مسجد حضرت قمر بنی هاشم^(ع) تعریف می کند

نظافت خانه خدا مقدم بود



صندوق
خاطرات

حمیده صفائی | آیین
تجلیل از کودکان و نوجوانان
شوراهای امر به معروف و نهی از
منکر هیئت های مذهبی مشهد در
نماز خانه مجتمع قضایی امام خمینی^(ره)
برگزار شد. این برنامه که برای دومین سال است
اجرامی شود. کار مشترک بسیج دادگستری مشهد
و هیئات مذهبی است.

● انتخابی برای زندگی

رئیس دادگاه های عمومی و انقلاب مشهد در این نشست صمیمی
خطاب به نوجوانان گفت: در سنین کودکی و نوجوانی هر راهی را انتخاب
کنید، مسیر زندگی شما را تعیین می کند؛ تفکر و پیروی از دستورات اهل
بیت^(ع) به شما کمک می کند تا راه درست را انتخاب کنید.

علی اکبر فرزی با اشاره به برگزاری این مراسم در مجتمع قضایی توضیح داد: با این
کار، کودکان و نوجوانان با مسائل روز و مشکلات جامعه بیشتر آشنایی شوند و قدردان و
هدف خودشان را می دانند.

رئیس شورای هیئت های مذهبی مشهد نیز گفت: هدف از این کار، تشویق و ترغیب
نونهالان و نوجوانانی است که در امور قرآنی فعال هستند تا با انجام این فعالیت دیگر
هم سن و سالانشان برای فعال شدن در امور قرآنی گام بردارند و در آینده شاهد یک
جامعه قرآنی باشیم.

علی قارونی در این مراسم از نوجوانان و جوانان به عنوان سرمایه های معنوی کشور نام
برد و افزود: تلاش برای رشد و پیشرفت معنوی این طیف از جامعه، وظیفه ای مهم و اساسی
است که والدین و مسئولان باید توجه ویژه ای به آن داشته باشند.

سید حسن میرمرتضوی، مدیر هیئت های مذهبی و استاد امر به معروف و نهی از منکر
استان خراسان رضوی، توضیح داد: این کودکان و نوجوانان، قاری قرآن یا مداح اهل بیت^(ع)
هستند و در ماه مبارک رمضان توسط هیئت های مساجد انتخاب شده اند. ایجاد انگیزه
در نوجوانان و سوق دادن آن ها به سوی ارزش های قرآنی، شناخت و پرورش استعدادشان
از دیگر اهداف مادر این گونه برنامه هاست.

● وقتی پسر در مسجد باشد، نگران نیستیم

مادر سید سبحان پازوک، یکی از کودکان حاضر در مراسم، گفت: در ماه مبارک رمضان از
دادگستری به مسجد محله مان (بیت الرقیه^(س) در محله سیدی) آمده بودند. پسر قاری
است و همان ابتدای برنامه قرآن خواند. تلاوت او و شرکت در برنامه های مسجد سبب
شد امروز به اینجا دعوت شود.

او که پسرش سال هاست به مسجد رفت و آمد دارد، ادامه داد: دوست دارم مسجد مکانی
برای فرزندانم باشد تا دغدغه حضورشان در اجتماع را نداشته باشیم. اجرای برنامه های
تشویقی در مسجد، انگیزه بچه ها را بیشتر خواهد کرد.

مهدیار محمودی، یکی از نوجوانان حاضر در این جلسه، گفت: عزت و ذلت آدم هادست
خداست؛ اگر از ابتدا نواکری اهل بیت^(ع) را انتخاب کنید، خودش عزت می دهد.

این جوان پانزده ساله که از سه سالگی مداح اهل بیت^(ع) شده است، ادامه داد: حضور
در هیئت، دامنه دوستی را افزایش می دهد و سبب می شود در فعالیت های اجتماعی
و درسی موفق باشیم.

در پایان این مراسم ۲۴ کودک و نوجوان حاضر در مراسم تجلیل شد.

نجمه سادات موسوی زاده | گنبد و گلدسته های طلایی رنگ مسجد از چند متر دورتر هم
دیده می شود؛ بنای سنگی و نوساز آن چشم نواز است. دوازده سال از بازسازی مسجد و
حسینیه حضرت قمر بنی هاشم^(ع) در محله بهارستان می گذرد و اهالی خاطرات مختلفی
از آن دوران دارند. اما حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین خانی، امام جماعت مسجد،
روزی را به یاد دارد که به عنوان پیش نماز معرفی شده بود ولی به جای مسجد با تلی از خاک
مواجه شد.

● پاکسازی مسجد از خاک و نخاله

یادآوری روزی اولی که حجت الاسلام والمسلمین خانی به عنوان امام جماعت به
مسجد و حسینیه حضرت قمر بنی هاشم^(ع) آمده است، هنوز هم برایش جالب
است؛ «می دانستم مسجد با کمک مردم و خیران در حال بازسازی است، ولی
هنگامی که مقابل نشانی ای که داده شده بود، ایستادم به جای بنایی موقت،
تلی از خاک و نخاله دیدم.»

با کمی دقت و پرس و جو متوجه شد که بنای کوچکی به صورت موقت برای اقامه
نماز اهالی در نظر گرفته شده و حیاط مسجد محل دپوی خاک و نخاله های
ساختمانی شده است؛ «از اهالی پرسیدم این خاک ها از کجا آمده است؛ گفتند که
نخاله های ساختمانی ساخت و سازهای اطراف را در این مکان تخلیه می کنند.»
در مسیری که به مسجد می آمد، بولدوزری را دیده بود که مشغول کار است. به
سمت آن رفت و از راننده درخواست کرد برای تخلیه خاک ها از حیاط مسجد
همراهش بیاید؛ «راننده ساعتی ۱۵ یا ۲۰ هزار تومان را به عنوان دستمزد اعلام
کرد که برای دوازده سال پیش مبلغ کمی نبود. قبول کردم اما هنگامی که
خواست کارش را شروع کند، متوجه شدیم در مسجد کوچک است و بولدوزر
نمی تواند داخل بیاید.»

به ناچار دیوار گلی مسجد را خراب کردند؛ حجت الاسلام والمسلمین خانی
توضیح می دهد: در شأن مسجد نبود که محل دپوی خاک و نخاله شود؛ حتی
برخی زباله خود را در این قسمت می ریختند. تصمیمم را گرفته بودم؛ باید
مکان موقتی مسجد هم تمیز می بود، بنابراین قسمتی از دیوار را خراب کردیم.

● یک جعبه شیرینی، مزد کار

از ساعت ۹ تا ۱۱ شب برداشتن خاک ها طول می کشد. راننده به همکاریانش زنگ
می زند و سه کامیون برای تخلیه خاک ها در محل حاضر می شود. حدود دوازده
بار کامیون خاک از مسجد بیرون می رود.

خانی برای پرداخت پول سراغ راننده بولدوزر می رود؛ «تشکر کردم و پرسیدم
چقدر باید تقدیم کنم؟ راننده خندید و گفت حاج آقا! شب ولادت
امام زمان^(عج) است. نمی خواهی به بچه ها شیرینی بدهی؟ جواب
دادم: به روی چشم. بلافاصله گفت: همان جعبه شیرینی مزد
من و همکاریام است.»

فردای آن روز، قسمتی از دیوار مسجد را که خراب کرده
بودند، به صورت موقت ساختند تا کار بازسازی
مسجد به پایان برسد. خانی دیگر اجازه
نداد که حیاط مسجد محل دپوی خاک
و نخاله شود و در اولین روزی که پای
منبر رفت، برای اهالی از نظافت
خانه خدا سخن گفت.

عیدگاه

آیین تجلیل از کودکان و نوجوانان
شوراهای امر به معروف و نهی از
منکر هیئت های مذهبی برگزار شد

در مسیر هدف برای آینده



محلات منطقه ۷:

۱۷: عنصری، ۱۷ شهریور، کارگران، مقدم، کوشش، کوی
پلیس، پروین اعتصامی، المهدی، سیدی، خلیج، عسکریه،
انقلاب، بهارستان، ابوذر، قائم (عج)، زارعین، طوق
۱۸: سرشور، جنت، امام رضا (ع)، امام خمینی (ره)
شهید بهشتی و آبشار

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلیجی استاد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۷ و ۸: حمید صفائی
تلفن شهرآرا محله منطقه ۷ و ۸: ۳۱۲۹۷۸۱
تلفن شهرآرا محله منطقه ۸: ۳۱۲۹۱۸۶۳۰۴

شماره پیامک: ۷۲۸۹۰۰۰۰
دفتر منطقه ۷:

خیابان پروین اعتصامی ۱۸- پشت ساختمان شهرداری منطقه ۷
دفتر منطقه ۸:

کوهسنگی ۳۱ پارکینگ بوستان کوهسنگی چهارسوق هنر (سوق چهارم)
پست الکترونیک:

mahalle7@shahrara.ir- mahalle8@shahrara.ir

@ShahraraMahaleh: کانال شهرآرا محله:

دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir



ایوان طلا، عکس از آلبوم مرحوم عباس صفائی - اوایل دهه ۴۰

مراسم سفره (برنامه شمارش پول های داخل ضریح در قدیم)
عکس از آلبوم مرحوم عباس صفائی - اوایل دهه ۴۰

یادگاری با گنبد و بارگاه

همه ساده کرده اند و حالا به سادگی در یک لحظه، ده ها عکس به یادگار می گیریم. در روزگاری که خبری از این فناوری نبود، صدای مرد داخل پیاده رو که می گفت «عکس حرم، عکس حرم»، توجه همه را به خودش جلب می کرد. خیلی ها در کنار نقاشی های حرم می ایستادند و عکس می گرفتند؛ برخی نیز در ورودی حرم با نمای گنبد، عکسی به یادگار می گرفتند. دهه کرامت بهانه ای شد تا از ساکنان مناطق ۷ و ۸ بخواهیم عکس های قدیمی شان با حرم را برایمان بفرستند.

صفائی از یارت که با نوای دلتان همراه شود، سر ذوق می آید تا خاطره ای را در کنار گنبد نورانی امام رئوف ثبت کنید؛ عکسی برای قاب شدن بر دیوار و خیره شدن به آن، برای رفع دلنگی ها. بهترین نقطه برای ثبت این لحظات معنوی، نمایی از گنبد طلایی است که به یادگار می ماند. گوشی های تلفن همراه، کار را برای

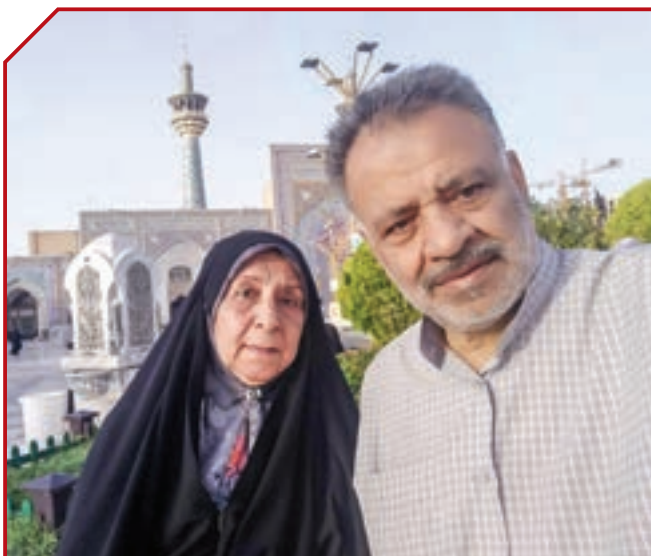


حسن حامد قصاب، از اهالی محله
سرشور جزو کفشداران افتخاری
حرم مطهر رضوی و از سال ۱۳۶۹ در
حرم مشغول خدمت به زائران است؛
آسایشگاه کفشداران آستان قدس،
سال ۱۳۷۲.

علیرضا خوشنویس، هفتمین
نسل از خاندان خوشنویس و
ساکن محله جنت که ردای خدمت
به حضرت رضا (ع) را به تن دارد.



از راست: علی عدالتیان، از اهالی محله بهشتی، و
مهدی حقانی؛ اواخر سال ۱۳۵۸



نمایی از بیرون مسجد
گوهرشاد که سال ۱۳۵۸ بعد
از مرمت آن گرفته شده است.
سال ۱۳۳۹ گنبد مسجد ریخت
و بازسازی آن شش سال طول
کشید. کودک داخل تصویر،
زهره همتی، از اهالی فعلی
محله بهشتی است.

محمد جواد زیان و همسرش، از
اهالی محله بهشتی که زیارت
هفتگی شان ترک نمی شود؛
صحن پیامبر اعظم (ص)، ۱۳۹۴

